


## آثار و مفاصد گرایش به دنیای مذموم و راهکارهای دوری از آن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی

محمد پیمان / کارشناس ارشد تربیت مربی اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞ mopeyman3553@gmail.com  
 سیدمحمد رضا موسوی نسب / استادیار گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ☞ smrmn1346@gmail.com  
 orcid.org/0000-0003-1590-0856

دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱  
 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

### چکیده

در کنار عواملی همچون هوای نفس و شیطان، گرایش به دنیای مذموم یکی از عوامل سقوط انسان محسوب می‌شود. از این رو باید دنیای مذموم و آثار آن را شناخت و برای فاصله گرفتن از آن کوشید. شناخت دنیای مذموم، آثار و مفاصد گرایش به آن و نیز راهکارهای دوری از آن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، مسئله مقاله حاضر به‌شمار می‌رود. نتایج این تحقیق که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، حاکی از آن است که گرایش به دنیای مذموم می‌تواند منشأ گناهان و انحرافات، محروم شدن از معنویات، کفر، ترس و سختی هنگام مرگ گردد. از این رو برای دوری از دنیای مذموم در حوزه بینشی، باید عبرت‌آموزی و درک حقیقت دنیا و اصالت ندادن به آن را تقویت کرد؛ در حوزه گرایشی با بهره‌گیری از الگوهای معنوی می‌توان کشش به سوی دنیا را کاهش داد؛ و در حوزه رفتاری، همنشینی با انسان‌های زاهد، تلاوت قرآن، توسل به معصومان ☞ و عمل به ضد می‌توان روحیه دنیاگرایی را مهار کند.

**کلیدواژه‌ها:** دنیای مذموم، گرایش به دنیا، راهکارهای دوری از دنیای مذموم.

## مقدمه

گرایش به دنیای مذموم یکی از عوامل سقوط انسان در کنار عواملی همچون هوای نفس و شیطان محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۷۵). در روزگار ما جذابیت‌های دنیا بیش از هر زمانی جلوه می‌کند. یکی از آثاری که جذابیت‌ها و مظاهر دنیا دارد این است که موجب هدف قرار دادن دنیا و غفلت از آخرت می‌شود. نگاه استقلالی به دنیا موجب ترجیح دنیا بر آخرت شده، انسان را به سقوط خواهد کشاند. اما نگاه ابزاری و مقدمه‌ای به دنیا موجب ترجیح آخرت بر دنیا می‌شود.

بنابراین قرآن، روایات و اندیشمندان مسلمان همواره بر پرهیز از گرایش به دنیای مذموم تأکید کرده و در کتاب‌های اخلاقی از دنیای مذموم به‌عنوان نماد ضدارزش یاد شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در کتاب *غررالحکم*، بیش از سیصد بار با بیان‌های گوناگون، چهره دنیا را ترسیم و آن را تحقیر نموده و در سراسر *نهج البلاغه* با تعبیرهای ناخوشایند از آن یاد کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۶۵).

اما به نظر می‌رسد بررسی مفاسد گرایش به دنیای مذموم و نیز ارائه راهکارهای دوری از آن کمتر مدنظر قرار گرفته است. نوشته حاضر درصدد است با تأکید بر دیدگاه *آیت‌الله مصباح یزدی*، ابتدا آثار و مفاسد گرایش به دنیای مذموم را بررسی نموده، سپس راهکارهایی را برای دوری از آن، در سه حوزه بینشی، گرایشی و رفتاری ارائه دهد. روش مقاله توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و پس از جمع‌آوری مطالب درباره محوره‌های این پژوهش، به تحلیل و پردازش اطلاعات آن پرداخته است.

## مفهوم‌شناسی

## الف. «دنیا»

زیبیدی (حسینی زیبیدی، ۱۳۸۵ق، ج ۱۰، ص ۱۳۱) و *فراهیدی* (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۹۸) «دنیا» را از ماده «دنو» می‌دانند که به معنای مقاربت و نزدیکی است.

جوهری این‌گونه گفته است: آنچه را پست و بی‌مقدار است «دنی» گویند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۹۱). *آیت‌الله جوادی آملی* (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۷) همانند *آیت‌الله مصباح یزدی* (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۹۵) معتقد است: دنیا هنگامی که با آخرت به کار رود، از ریشه «دنو» به معنای نزدیکی است، اما هنگامی که در برابر آخرت به کار رود، از ریشه «دنی» به معنای پست است (جوادی آملی، ۱۳۶۶، ص ۲۲). بنابراین واژه «دنیا» هم از ماده «دنو» (نزدیک) و هم «دنی» (پست) به کار برده شده است.

امام خمینی علیه السلام در تعریف «دنیا» می‌نویسد:

فقیر گوید که می‌توان گفت که دنیا گاهی گفته می‌شود به نشئه نازله وجود که دار تصرف و تغییر و مجاز است؛ و آخرت به رجوع از این نشئه به ملکوت و باطن خود که دار ثبوت و خلود و قرار است (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰).

## ب. «دنیای مذموم»

«دنیای مذموم» همان علاقه، توجه و حب به دنیاست که شامل اوهام، خیالی‌بافی‌ها، برتری‌طلبی‌ها، افتخار به ثروت و مقام و لقب، تکاثر، تفاخر، زینت، قراردادهای اعتباری و تعلقات و «من» و «ما»هایی می‌شود که موجب دلبستگی به دنیا می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۵). در این صورت انسان نگاه استقلالی (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۲۶) به دنیا خواهد داشت و آن را هدف ماندن (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵) خود قرار می‌دهد. بنابراین آسمان، زمین، دریا، صحرا، جنگل‌ها، درختان و سایر موجودات مادی و عنصری را نمی‌توان دنیای مصطلح — که مذموم است — نامید، بلکه همه اینها آیات الهی به‌شمار می‌روند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۵۷).

در مقابل دنیای مذموم، دنیای ممدوح قرار دارد. برخی از ویژگی‌های دنیای ممدوح عبارتند از: یگانه راه کمال موجود (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۰-۱۲۱)، دار سلوک اختیاری (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲)، سجده‌گاه دوستان خدا و تجارتخانه اولیای الهی (مصباح یزیدی، ۹۷/۳/۱۰).

## پیشینه بحث

عبدالحسین جلالی (۱۳۸۲) در کتاب ماهیت دنیا در ۱۵ فصل به موضوع دنیا پرداخته است. برخی از فصول این کتاب عبارتند از: ماهیت دنیا، پستی و بی‌ارزشی دنیا، هوا و هوس و آرزوهای دنیوی، فناپذیری و زودگذر بودن دنیا، مال دنیا، دنیا دار محنت و بلا، دنیا سرای آزمایش و امتحان، چگونه زیستن در دنیا، خوبی‌های دنیا... .

عباس عزیزی (۱۳۸۰) در کتاب نهج‌البلاغه موضوعی به توصیف دنیا می‌پردازد. وی در این کتاب ۹۶ صفت دنیا را از کلمات امیرمؤمنان علیه السلام جمع‌آوری و ترجمه نموده است.

آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۹۱ الف) در کتاب اخلاق در قرآن (جلد ۱) به سه عامل سقوط انسان اشاره می‌کند که عبارتند از: «هوای نفس، دنیا و شیطان»، و در بخش «دنیا» رابطه دنیا و آخرت، دنیای نکوهیده، قرآن و نکوهش دنیا را بررسی می‌کند.

ایشان در کتاب آیین پرواز (۱۳۹۹) در درس پانزده و شانزده، به مسئله دنیا می‌پردازد و عناوینی همچون مقایسه دنیا و آخرت (تفکر پیرامون مقایسه دنیا و آخرت)؛ تأکید قرآن بر بی‌ارزشی دنیا؛ برداشت غلط از بی‌ارزشی دنیا؛ دنیا از دیدگاه اسلام؛ مردود بودن رهبانیت از نظر اسلام؛ نگاه ابزاری و نگاه استقلالی به دنیا را بررسی کرده است.

همچنین ایشان در کتاب راهیان کوی دوست (۱۳۹۴) به مباحثی مانند نکوهش دنیا و دنیاخواهان؛ مفهوم دنیاخواهی و آخرت‌طلبی و مراتب آن دو؛ و ویژگی‌های بیست‌گانه اهل دنیا اشاره کرده و بریدگی از دنیا را نتیجه توجه به خداوند معرفی نموده است.

آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۰) در کتاب دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج‌البلاغه در چهار فصل موضوع «دنیا» را بررسی کرده است. عناوینی که نویسنده در این کتاب مطرح نموده عبارتند از: ویژگی‌های دنیای ممدوح؛ ویژگی‌های دنیای مذموم؛ آثار دوستی دنیا؛ و راه درمان دنیاگرایی. ایشان در فصل آخر، راه درمان دنیاگرایی را «زهد» معرفی کرده و به بررسی زهد و نشانه‌های آن پرداخته است.

آیت‌الله محمدی ری‌شهری (۱۳۸۴) در کتاب *دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث* در چهار بخش به موضوع مذکور اشاره کرده است. در بخش اول عنوان «دنیا» را در پنج فصل بررسی نموده که عبارتند از: شناخت دنیا؛ اهمیت دنیا؛ عوامل دستیابی به خیر دنیا و آخرت؛ گروه‌های مردم در رسیدن به دنیا و آخرت؛ و هشجاری در طلب دنیا. ایشان در بخش دوم کتاب با عنوان «دنیای نکوهیده»، شش فصل مطرح می‌کند که عبارتند از: شناخت دنیای نکوهیده؛ ارزیابی دنیا؛ بر حذر داشتن از دنیا؛ زبان‌های دنیادوستی؛ ریشه‌های دنیادوستی؛ و نشانه‌های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان. معظم‌له در بخش سوم و چهارم کتاب مذکور - به ترتیب - عناوین زهد در دنیا و آخرت را بررسی کرده است.

عزیزه فروردین (۱۳۸۰) در کتاب *سرای گذر: دنیا از منظر امام علی*، مباحث مربوط به دنیا را در ده فصل خلاصه می‌کند که عبارتند از: حقیقت دنیا؛ ستایش و مدح دنیا؛ نکوهش و مذمت دنیا؛ دنیاپرستی و دنیاگرایی؛ راه‌های مقابله با دنیازدگی؛ رابطه دنیا و آخرت؛ چگونگی برخورد انسان با دنیا؛ دنیا و پیشوایان دین؛ هدف نهایی زندگی؛ و همراه با برنامه‌سازان (بررسی راهکارهای عملی دوری از دنیاگرایی).

ایشان در فصل پنجم که مربوط به راه‌های مقابله با دنیازدگی است، هفت راه برای مقابله با دنیازدگی پیشنهاد می‌کند که عبارتند از: یاد مرگ و آخرت‌گرایی؛ پندپذیری و عبرت‌آموزی از سرگذشت دنیاداران؛ شناخت حقیقت دنیا و ژرف‌اندیشی در امور دنیوی؛ اصالت ندادن به دنیا؛ خودآگاهی؛ رهایی از نفس؛ و راه‌های عملی مقابله با حب دنیا. براساس آنچه در پیشینه مطرح شد، مسئله دنیا و مذمت دنیا از اهمیت بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که در اندیشه‌های بزرگان اخلاق سهم بسزایی دارد؛ زیرا در آثار اخلاقی که از آنان به یادگار مانده، غالباً به این مسئله اشاره شده است. براین اساس آنچه در میان آثار و منابع بسیار کمیاب و جایش خالی است بررسی توصیفی - مقایسه‌ای آثار گرایش به دنیای مذموم و راهکارهای دوری از آن و نیز فقدان تحلیل و توصیف جامعی نسبت به موضوع مذکور در اندیشه‌های بزرگان اخلاق است.

این نوشتار اگرچه کوشیده است نظرات آیت‌الله جوادی آملی و امام خمینی<sup>ره</sup> درباره «آثار و مفساد گرایش به دنیای مذموم و راهکارهای دوری از آن» را بیان نماید، اما تأکیدش بر نظرات آیت‌الله مصباح یزدی است.

### آثار و مفساد گرایش به دنیای مذموم

گرایش به دنیای مذموم تعبیری است که در روایات و آثار اخلاقی از آن به «حب دنیا» یاد می‌شود. «محبت» حالتی است که در دل موجود ذی‌شعور، نسبت به چیزی که با وجود و خواسته‌های او تناسبی داشته باشد، پدید می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸). بنابراین «محبت» حالت ثابت و پایداری است که برای نفس انسان پیدا می‌شود و با تکرار، انس، توجه، و تمرکز تقویت می‌گردد. فرجام این محبت به جایی می‌رسد که دیگر انسان همه چیز را فراموش می‌کند و تمام توجهش در آن محبوبی متمرکز می‌شود که پسندیده و از انس با آن لذت برده است (مصباح یزدی، ۹۵/۳/۲۶).

«حب دنیا» دلبستگی نسبت به دنیاست که موجب ترجیح زندگی دنیا بر زندگی آخرت می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۸۵) و علاوه بر اینکه انسان را از ثوابها، کمالات و فضایل انسانی باز می‌دارد، او را به گناه و حتی کفر، بدبختی و مبارزه با انبیا و اولیا می‌کشاند (مصباح یزدی، ۹۵/۴/۶).

بنابراین منظور ما از آثار و مفاسد گرایش به دنیای مذموم، همان آثار و مفاسد حب دنیاست. در ادامه به برخی از این آثار اشاره خواهیم کرد:

## ۱. محرومیت از امور معنوی

کم شدن توجه انسان به امور و ارزش‌های معنوی کمترین ضرر حاصل از دل بستن به امور دنیوی است، درحالی‌که توجه ذهنی و تمایل قلبی انسان باید صرفاً متوجه امور معنوی و متعالی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۲۷۰).  
امام خمینی علیه السلام در این باره می‌نویسد:

انسان دارای این حب از جمیع فضائل معنویه برکنار است. شجاعت، عفت، سخاوت، عدالت که مبدأ تمام فضائل نفسانیه است، با حب دنیا جمع نمی‌شود. معارف الهیه، توحید در اسماء و صفات و افعال و ذات و حق جویی و حق‌بینی با حب دنیا متضادند. طمأنینه نفس و سکونت خاطر و استراحت قلب که روح سعادت دو دنیاست، با حب دنیا مجتمع نشود. غنای قلب و بزرگواری و عزت نفس و حریت و آزادمردی از لوازم بی‌اعتنایی به دنیاست (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ص ۴۹).

## ۲. گناهان و انحرافات

امام خمینی علیه السلام معتقد است: تمام مفاسد اخلاقی و اعمالی از ثمرات حب دنیاست و فجور، فحشا، دزدی و سایر فجایع زائیده حب دنیاست (همان).

از امام صادق علیه السلام این حدیث قدسی نقل شده است که خدای متعال به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «اعْلَمْ أَنَّ كَلَّ فِتْنَةَ بَدْرُهَا حُبُّ الدُّنْيَا» (مجلسی، ۱۹۹۲، ج ۱۳، ص ۳۵۴)؛ ای موسی، بدان که هر فتنه‌ای در عالم واقع شود تخمش حب دنیاست.

در حدیث دیگر امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَسْلُ الْيَمْحَنِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۴۸)؛ اساس همه فتنه‌ها حب دنیاست و اصل همه محنت‌ها و بلاها هم حب دنیاست.

آیت‌الله مصباح یزدی در توضیح این حدیث می‌گوید:

بلاهایی که به انسان رو می‌آورد برای این است که تعلق به دنیا دارد و خواسته‌اش نسبت به دنیا فراهم نشده است؛ مسائل برخلاف میل و علاقه‌ای که به دنیا دارد، پیش رفته است؛ این است که ناراحت می‌شود. مصیبت برای چنین کسی به معنای از دست دادن چیزی است که موجب لذت دنیاست. پس اصل محنت‌ها حب دنیاست. به همین جهت، آنهایی که به دنیا علاقه ندارند، از بلاها و مصیبت‌ها خیلی ناراحت نمی‌شوند. استرس‌ها، فشارها، اضطراب‌ها و بیماری‌های روانی - همه - برای کسانی است که به دنیا دلبستگی دارند. وقتی تعلق به دنیا نباشد ناراحتی هم پیدا نمی‌شود و این بیماری‌ها و محنت‌ها هم به دنبالش پیش نمی‌آید (مصباح یزدی، ۹۵/۳/۳۱).

## ۳. کفر

حب دنیا می‌تواند منجر به کفر، انکار آخرت و در نتیجه، منحصر کردن زندگی به حیات مادی شود. قرآن کریم در آیات متعددی به این اثر حب دنیا اشاره فرموده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَيُؤَلِّمُ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ الَّذِينَ يَسْتَحْيُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۳ و ۴)؛ وای بر کافران از عذابی سخت؛ آنان که زندگانی دنیا را بر آخرت مقدم می‌دارند. در آیه دیگر می‌فرماید: «وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْيَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (نحل: ۱۰۶ و ۱۰۷)؛ هر کس به اختیار خویش کافر شد و با رضا و رغبت و هوای نفس، دلش به ظلمت کفر آکنده گشت، بر آنها خشم خدا و عذاب بزرگ دوزخ خواهد بود. این غضب و عذاب بر آنها بدین سبب است که حیات (فانی) دنیا را بر (حیات ابدی) آخرت برگزیدند و اینکه خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد کرد.

آیت‌الله مصباح یزدی در این باره می‌گوید: دل بستگی به زندگی دنیا انسان را در ردیف کفر قرار می‌دهد. سر اینکه این کافران به عذاب مبتلا می‌شوند آن است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند. بنابراین اگر امر دایر شود بین چیزی که برای دنیایشان مفید است و چیزی که برای آخرت آنان نافع است، آنان نفع دنیوی را ترجیح می‌دهند و از آخرت چشم‌پوشی می‌کنند. همین روحیه است که منشأ کفر می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰).

ایشان در جای دیگری می‌نویسد:

برخی افراد اگر کفر را انتخاب می‌کنند از روی جهل و به این دلیل است که حجت برایشان تمام نشده. این افراد کارشان آسان تر است؛ اما کسانی دانسته و با علم به حق، کفر را انتخاب می‌کنند این کفر «جسود»ی است و منشأ آن نیز محبت دنیاست. این افراد چون می‌بینند که اگر ایمان بیاورند لذت‌های دنیایی‌شان به خطر می‌افتد، زیر بار حق نمی‌روند و راه کفر را در پیش می‌گیرند. دل بستگی به دنیا و لذا ذی دنیوی است که موجب کفر این گروه می‌شود (همان).

## ۴. ترس و سختی مرگ

«حب دنیا» همان دل بستگی و ترجیح دادن زندگی محدود دنیا بر زندگی جاودان آخرت است. بنابراین هرچه انسان به دوستان و محبوب‌های این دنیا دل بستگی بیشتری داشته باشد، وقتی می‌خواهد از این دنیا کوچ کند و جدا شود سختی و رنجش بیشتری را متحمل خواهد شد و چون پا به عالمی می‌گذارد که با آنجا هیچ انس و آشنایی ندارد سخت نگران و هراسان می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۵).

عمده سختی سکرات مرگ، نزع روح و شدت آن در اثر همین لذات و علاقه به دنیاست (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۹) که دلیل بر خائف بودن انسان در آن هنگام (همان، ص ۱۲۴) و بغض نسبت به خداوند در هنگام مرگ می‌شود. امام راحل این گونه می‌نویسد:

آن کس که مبتلا به حب نفس است و دنبال آن حب دنیا... آن است که در حال احتضار و کوچ، بعضی از امور بر انسان ممکن است کشف شود و دریابد که مأمور خداوند او را از محبوب و معشوق خود جدا می‌کند.

با دشمنی خدا و غضب و نفرت از او - جل و علا - کوچ کند، و این عاقبت و پیامد حب نفس و دنیاست (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۶، ص ۲۶۶).

همچنین حب دنیا موجب طول کشیدن عالم قبر و برزخ او می‌شود؛ یعنی اگر انسان مبتلا به معاصی دیگر نگرده، خود تعلق به دنیا و محبت به آن اسباب گرفتاری خواهد شد و میزان در طول کشیدن عالم قبر و برزخ همین تعلقات است. پس هرچه حب دنیا و نفس کمتر باشد برزخ و قبر انسان روشن‌تر و گشاده‌تر و مکث انسان در آن کمتر است (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۴).

در حدیثی امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۹). هرچه علاقه انسان به دنیا زیاده‌تر باشد، ترس از آخرت و جهنم برایش کمتر پیدا می‌شود. بر اساس این حدیث آیت‌الله مصباح یزدی معتقدند: حب دنیا موجب زایل شدن ترس از آخرت و جهنم می‌شود. ایشان می‌فرماید: «هرچه برایش آیات عذاب را می‌خوانند، تغییر نمی‌کند. دلش جای دیگری است» (مصباح یزدی، ۹۵/۳/۳۱).

## راهکارهای دوری از دنیای مذموم

### الف. راهکارهای بینشی

اولین گام برای دوری از دنیای مذموم این است که ما باید بینش‌ها و شناخت‌های اصلی خود را تصحیح و تقویت و سعی کنیم این شناخت‌ها را در ذهن خود زنده نگاه داریم (مصباح یزدی، ۹۷/۳/۱۶). بنابراین لازم است بینش خود را نسبت به دنیا تصحیح کنیم و بباییم که زندگی انسان منحصر به زندگی دنیایی او نیست، بلکه در ورای این دنیا، یک زندگی جاودانه برای انسان وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ج ۱، ص ۱۹۹). پس دنیا معبر و گذرگاه است، نه مقصد اصلی و هدف نهایی، و جای ماندن نیست؛ زیرا ماهیت دنیا ماهیت گذر است و ما پیوسته در آن سیر می‌کنیم (همان، ص ۲۰۱).

در ادامه به برخی از راهکارهای بینشی دوری از دنیای مذموم اشاره خواهیم کرد:

### یکم. عبرت‌آموزی

بی‌شک، سرگذشت پیشینیان و مردمان گذشته چراغ راه آیندگان است و مهم آن است که پیام تاریخ دریافت شود و دل<sup>۱</sup> عبرت پذیرد (همان، ص ۸۰). امیرمؤمنان علیه السلام در نامه به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «أَعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ وَ ذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱)؛ اخبار گذشتگان را بر او عرضه بدار و از آنچه بر سر پیشینیان تو رفته است آگاهش ساز.

قرآن کریم درباره عبرت‌آموزی از گذشتگان می‌فرماید: «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَ أَشَدَّ قُوَّةً وَ أَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ (غافر: ۸)؛ آیا این مردم در زمین به سیر و سفر نرفتند تا عاقبت حال پیشینیان را که از اینها بیشتر و قوی‌تر و مؤثرتر در زمین بودند مشاهده کنند (که چگونه همه هلاک شدند) و آنچه اندوختند آنها را (از مرگ و هلاکت) حفظ و حمایت نکرد؟

دقت در آثار و اخبار گذشتگان یکی از بهترین راه‌های عبرت گرفتن و یکی از آثار آن، این است که آدمی ماهیت زندگی دنیا را بهتر می‌شناسد و پی می‌برد که این خوشی‌ها و ناخوشی‌ها و قوت‌ها و نیروها و سلطنت‌ها و حکومت‌ها و کاخ‌ها همگی زایل و ویران شده و صاحبان آنها مرده‌اند و ما نیز بدون استثنا به این نقطه خواهیم رسید. پس دنیا محل گذر است، نه جایگاه اقامت (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ج ۱، ص ۸۳).

*آیت‌الله مصباح یزدی* می‌فرماید: زندگی این دنیا جاده‌ای است که گریزی جز گذر از آن نیست، و هرگز منزل و مسکنی که در آن اقامت کند، نیست. جریان کلی حاکم بر عالم و آدم از روز نخست که این عالم پدیدار شده، پیوسته در یک مسیر بوده و هرگز لحظه‌ای توقف نداشته است. پس برای او نیز جای درنگ نیست، تا چه رسد به اقامت نمودن (همان، ص ۸۸).

انسان از مجموع تحولات و دگرگونی‌های این دنیا به دو نکته می‌رسد: یکی اینکه خوشی‌ها و کامیابی‌ها و موفقیت‌های دنیوی، موقت است و نباید به آنها مغرور شد. دیگر اینکه ناخوشی‌ها و ناکامی‌ها و شکست‌های دنیوی نیز موقت است و روزی تمام خواهد شد. بنابراین نباید مأیوس گردید (همان، ص ۸۲). بنابراین یکی از عمومی‌ترین پدیده‌های دنیا این است که همه کسانی که در این عالم زندگی می‌کردند از اینجا بار بستند و خانه‌ها و اموالشان را به دیگران سپردند (همان، ج ۲، ص ۲۷۰). علامه مصباح یزدی می‌فرماید:

از این قانون مسلم، باید بفهمیم که روزی ما هم از این منزل ویران خواهیم رفت و مال و منال و خانه و کاشانه ما به دیگران می‌رسد. پس به این روزگار گذرا و به متاع بی‌بهای آن دل نبندیم (همان، ص ۲۷۰).

## دوم. اصیل ندانستن دنیا

*آیت‌الله مصباح یزدی* دومین گام بعد از تصحیح بینش را کشف رابطه میان دنیا و آخرت بیان می‌کند؛ به این صورت که آن دو را باید با هم مقایسه کرد و هریک را در این مقایسه با دقت ارزیابی نمود تا معلوم شود که رابطه دنیا با آخرت رابطه راه و مقصد است یا وسیله و هدف، تا در نتیجه، آثار سوئی بر بینش ما مترتب نشود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ج ۱، ص ۱۹۹).

نسبت به دنیا - دست کم - سه بینش می‌توان تصور کرد:

- عده‌ای از دنیا هیچ چیز جز زندگی محدود چندروزه نمی‌فهمند و کاملاً بی‌توجه و سرگردان هستند و مرگ را هم نابودی می‌دانند؛

- دسته دوم زندگی دنیا را سفر از آرامش و آسایش‌ها به سمت رنج و بلا و نابودی می‌پندارند؛

- گروه سوم زندگی دنیا را سفر از بلاها و رنج‌ها به سوی مقصدی ایده‌آل و آرمانی می‌دانند.

وجه اشتراک گروه دوم و سوم این است که دنیا گذراست؛ اما وجه افتراق دو گروه در جهت حرکت است؛ یعنی گروه دوم برعکس گروه سوم می‌پندارند که از جای خوب و ایده‌آل به سوی زندانی نامعلوم و تاریک می‌روند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ج ۱، ص ۲۰۲).



بنابراین انسان باید یکی از این دو راه را انتخاب کند: یا زندگی را همین حیات چندروزه دنیا بپندارد و یا حیات اخروی را برای زندگی برگزیند (همان، ص ۲۰۳).

براساس بینش گروه سوم، یکی از مقایسه‌ها و تفاوت‌های مهم بین دنیا و آخرت اصالت داشتن آخرت است؛ به این معنا که زندگی آخرت، زندگی نهایی و اصیل انسان است و زندگی دنیا مقدمه آخرت و وسیله‌ای برای کسب سعادت ابدی است و تمام زندگی و مظاهر دنیا ابزار آزمایش و وسیله تکامل حقیقی و تحصیل سعادت ابدی به‌شمار می‌رود. در نتیجه اصالتی نخواهد داشت و ارزش واقعی آنها وابسته به توشه‌ای است که شخص برای زندگی ابدی‌اش برمی‌دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۴۲۵).

باید توجه داشت که همه نkohش‌هایی که از دنیا شده مربوط به نوع نگرش، بینش، نگاه و جهت‌گیری انسان‌های دنیاطلب است، وگرنه زندگی دنیا برای بندگان شایسته خدا که حقیقت آن را می‌شناسند و آن را وسیله به‌شمار می‌آورند و از هر لحظه عمر خود برای سعادت ابدی‌شان بهره می‌گیرند، نه تنها نkohشی ندارد، بلکه دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است (همان).

قرآن کریم درباره اصالت آخرت می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۶۴)؛ این زندگانی چندروزه دنیا (اگر در پرستش حق و سعادت آخرت صرف نشود) افسوس و بازیچه‌ای بیش نیست و زندگانی - اگر مردم بدانند - به حقیقت دار آخرت است (که حیاتش جاوید و نعمتش بی‌رنج و زوال است).

بالاترین تأکیدی که در زبان عربی قابل بیان است در این آیه استفاده شده که عبارتند از: جمله اسمیه با «إن»؛ لام تأکید با ضمیر فصل؛ و خبر محلاً به الف و لام (مصباح یزدی، ۹۵/۳/۲۷). بنابراین اصلاً زندگی حقیقی، زندگی آخرت است و این دنیا مقدمه و آزمایشگاه است (همان، ۹۳/۱۰/۸).

علامه مصباح یزدی معتقد است که ما انسان‌ها چون موجوداتی مادی هستیم و با محسوسات سروکار داریم، به زندگی دنیا و زرق و برق آن گرایش داریم (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹). اما باید بدانیم که این زندگی که در چشم برهم‌زدنی تمام می‌شود، قابل نیست که انسان آن را هدف خود قرار دهد و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کند، مگر آنکه دنیا وسیله‌ای برای آخرت باشد که در این صورت ارزشمند خواهد بود (مصباح یزدی، ۹۵/۴/۲).

ایشان درباره علت درخواست مرگ که گاهی برخی اولیای الهی از خداوند می‌کنند، می‌گویند: آنها معتقد بودند که آن عالم، عالم لذت، خوشی، سعادت ابدی و رضای خداست. (لذا) از خدا می‌خواستند که زودتر از اینجا بروند (همان، ۹۳/۳/۲۸).

## ب. راهکار گرایشی

**الکودهی:** امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ۱۶۰ *نهج البلاغه*، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بهترین الگو برای الگوگیری معرفی می‌کنند و می‌فرمایند:

«فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْفَرِ، فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءٌ لِمَنْ تَعْزَى، وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُنَاسَى بِنَبِيِّهِ وَ الْمُتَّقِصُ لِأَثَرِهِ؛ قَضِمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا، أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا وَ أَحْمَصَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا. عَرِضَتْ عَلَيْهِ

الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْبَغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ وَ حَقَّرَ شَيْئًا فَحَقَّرَهُ وَ صَغَّرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ. وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ فِينَا إِلَّا حُبْنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ تَغْلِيْمُنَا مَا صَغَّرَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَكْفَى بِهِ شِقَاقًا لِلَّهِ وَ مُحَادَّةً عَنِ أَمْرِ اللَّهِ»؛ (تو ای مسلمان!) به پیامبر پاک و پاکیزه‌ها تاسی جوی؛ زیرا در او سرمشقی است برای آنکه می‌خواهد تاسی بجوید و رابطه‌ای است عالی برای کسی که بخواهد به او مربوط شود. محبوب‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبرش تاسی جوید و در بی او گام بردارد. او به اندازه نیاز از دنیا بهره گرفت و هرگز تمایلی به آن نشان نداد. اندامش از همه مردم لاغرتر و شکمش از همه گرسنه‌تر بود. دنیا (از سوی خدا) به وی عرضه شد، ولی آن را نپذیرفت. او می‌دانست چه چیزی مبعوض خداست، آن را مبعوض می‌شمرد؛ و چه چیز نزد خدا حقیر است، آن را حقیر می‌دانست؛ و چه چیز نزد او کوچک است، آن را کوچک می‌دید. و اگر در ما چیزی جز محبت به آنچه مبعوض خدا و رسول اوست، و نیز بزرگ شمردن آنچه خدا و رسولش آن را کوچک شمرده‌اند وجود نداشته باشد، همین برای مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمانش کافی است.

حضرت در این خطبه برخی از سیره پیامبر اکرم ﷺ را این گونه بیان می‌فرماید:

«قَضِمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَلَمْ يَعْزِهَا طَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَسْحًا وَأَحْمَضَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عَرَضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْبَغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ وَ حَقَّرَ شَيْئًا فَحَقَّرَهُ وَ صَغَّرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ»؛ رسول خدا ﷺ خوردنش اندک و به قدر ضرورت بود. به این دنیا، حتی به گوشه چشمی ننگریست. پهلوهایش از همه مردم لاغرتر بود و شکمش از همه خالی‌تر. دنیا بر او عرضه شد و او از پذیرفتنش ابا کرد و می‌دانست که خدای سبحان چه چیزی را دشمن می‌دارد تا او نیز آن را دشمن دارد، یا چه چیزی را حقیر شمرده است تا او نیز حقیرش شمارد و چه چیزی را خرد و بی‌مقدار دانسته است تا او نیز بی‌مقدارش داند.

امیرمؤمنان ﷺ در نامه ۴۵ *تهجج البلاغه* درباره ثروت خود این گونه می‌فرماید:

«قَوْلُ اللَّهِ مَا كُنْتُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرَأُ وَلَا آخِرَتُمْ مِنْ غَنَائِمِهَا وَقَدْ لَا أَعْدَدْتُ لِإِبَائِي ثَوْبِي طَمْرًا وَلَا حَزْتٌ مِنْ أَرْضِهَا شَيْبَرًا وَلَهْيَ فِي عَيْنِي أَوْهَى وَأَوْهَنُ مِنْ عَقْصَةِ مَقْرَةٍ أَعْرَبِي عَنِّي قَوْلُ اللَّهِ لَا أَذِلُّ لَكَ قَسْتَدْلِيْنِي وَلَا أَسْلُسُ لَكَ قَتْفُودِيْنِي»؛ به خدا سوگند! من هرگز از ثروت‌های دنیای شما چیزی از طلا و نقره نپندوخته‌ام، و از غنایم و ثروت‌های آن مالی ذخیره نکرده‌ام، و برای این لباس کهنه‌ام بدلی مهیا نساختم‌ام و از اراضی این دنیا، حتی یک وجب به ملک خود درنیآورده‌ام. این دنیا در چشم من بی‌ارزش‌تر و خوارتر از شبیره تلخ درخت بلوط است. (ای دنیا) از من دور شو! به خدا سوگند، من رام تو نخواهم شد تا مرا خوار و ذلیل سازی، و زمام اختیارم را به دست تو نخواهم سپرد که به هر جا خواهی ببری.

## ج. راهکارهای رفتاری

### یک. همنشینی با صالحان

از عواملی که در توجه انسان به رفتارها، انگیزه‌ها، عواقب و نتایج اخروی آنها مؤثر است، معاشرت با کسانی است که رفتارشان نشان‌دهنده کمالات، فضایل، خیرات و در نهایت، اعتقاد به آخرت است. در این زمینه روایت است:

«قَالَ الْخَوَارِيُّونَ لِعِيسَى يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نَجَالِسُ؟ قَالَ مَنْ يَذْكُرْكُمْ اللَّهُ رُوَيْتُهُ وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَيَرْعِبْكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹)؛ یاران حضرت عیسی ﷺ از ایشان پرسیدند: با چه کسی همنشین باشیم؟ فرمود: اول شرط برای کسی که می‌خواهید برای معاشرت انتخاب کنید این است که طوری باشد که وقتی او را می‌بینید به یاد خدا بیفتید، وقتی سخن می‌گوید بر علم شما افزوده شود، و وقتی رفتارش را می‌بینید به کار برای آخرت رغبت پیدا کنید.

## دو. تلاوت قرآن

قرآن کتابی است که مسیر انسان را مشخص می‌کند. پس برای به‌دست آوردن راهکار دوری از دنیای مذموم می‌توان به آن مراجعه کرد. اعتقاد به آخرت در رفتار انسان اثرگذار است. از جمله اموری که این اعتقاد را در انسان تقویت می‌کند، تلاوت قرآن است.

علامه مصباح یزدی می‌فرماید:

اینکه مستحب است مؤمن در هر روز - دست‌کم - پنجاه آیه قرآن بخواند برای این است که شاید هیچ پنجاه آیه‌ای نباشد که صحبتی از دنیا و آخرت در میان آن نباشد (مصباح یزدی، ۹۵/۲/۱).

## سه. توسل به خدا و معصومان

امام خمینی علیه السلام توسل به معصومان علیهم السلام را از راهکارهای رفتاری دوری از دنیای مذموم معرفی می‌کند و می‌فرماید: چون صبح<sup>۱</sup> افتتاح اشتغال به کثرات و ورود در دنیاست... خوب است انسان سالک... برای ورود در این ظلمتکده تاریک به حق تعالی متوسل شود... و چون خود را در آن محضر شریف آبرومند نمی‌بیند به... رسول ختمی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین علیهم السلام متوسل گردد (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ص ۳۷۰).

## چهار. عمل به ضد

امام خمینی علیه السلام طریق علاج عملی دوری از دنیای مذموم را معامله به ضد می‌داند؛ یعنی اگر انسان به مال و منال علاقه دارد با بسط ید و صدقات واجب و مستحب ریشه آن را از دل بکند (همان، ص ۵۰). ایشان می‌فرماید:

یکی از نکات صدقات همین کم شدن علاقه به دنیاست و لهذا مستحب است که انسان چیزی را که دوست می‌دارد و مورد علاقه‌اش هست، صدقه دهد... و اگر علاقه به فخر و تقدم و ریاست و استطالت دارد، اعمال ضد آن را بکند و دماغ نفس اماره را به خاک بمالد تا اصلاح شود (همان).

## نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، به دست می‌آید: آثاری که دنیاطلبی دارد عبارتند از: محروم شدن از امور معنوی، گناهان و انحرافات، کفر، و ترس و سختی مرگ.

راهکارهایی که برای دوری از دنیای مذموم در حوزه بینشی مطرح می‌شود عبارتند از: عبرت‌آموزی و درک حقیقت دنیا و اصالت ندادن به آن. در حوزه گرایشی با بهره‌گیری از الگوهای معنوی می‌توان کشش به‌سوی دنیا را کاهش داد. در حوزه رفتاری نیز با همنشینی انسان‌های زاهد، تلاوت قرآن، توسل به معصومان علیهم السلام و عمل به‌ضد می‌توان روحیه دنیاگرایی را مهار کرد.

تفاوت دیدگاه‌های مطرح‌شده در زمینه «آثار و مفاسد گرایش به دنیای مذموم و راهکارهای دوری از آن» بیشتر ناظر به نوع نگاه به موضوع مذکور است؛ یعنی براساس ادبیاتی که بزرگان بیان داشته‌اند، به نظر می‌رسد امام خمینی علیه السلام این موضوع را با تأکید بر بُعد عرفانی، آیت‌الله جوادی آملی با تأکید بر بُعد تفسیری و فلسفی، و آیت‌الله مصباح یزدی با تأکید بر بُعد اخلاقی مطرح کرده‌اند.

## منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- جلالی، عبدالحسین، ۱۳۸۲، *ماهیت دنیا*، تهران، امیرکبیر.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۶، *کرامت در قرآن*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، *معاد در قرآن*، قم، اسراء.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، *دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه*، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *صحاح اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۳۸۵ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالهدایة.
- عزیزی، عباس، ۱۳۸۰، *نهج البلاغه موضوعی*، قم، ناشران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فروردین، عزیزه، ۱۳۸۰، *دنیا از منظر امام*، تهران، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، اسلامیه.
- مجلسی، محمداقبر، ۱۹۹۲م، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدری شهری، محمد، ۱۳۸۴، *دنیا و آخرت*، قم، دار الحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۹۷/۳/۱۰، *درس اخلاق*، در: [mesbaheyazdi.ir](http://mesbaheyazdi.ir)
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۰، *آموزش عقاید*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، *راهیان کوی دوست*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، *پیام مولا از بستر شهادت*، تدوین و نگارش محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، *به سوی او*، تحقیق محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱ الف، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱ ب، *بند جاوید*، نگارش علی زینتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *انسان‌سازی در قرآن*، تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۹، *آیین پرواز*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۹، *صحیفه نور*، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۲، *آداب الصلاة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۳، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.